خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۱. ۲۳ محرم ۱۴۳۴. شماره ۱۸۲۸۶

طرح محب در مناطق زلزله زده زهان اجرا می شود

مدیر کل بهزیستی از اجرای طرح محب با هدف ارائه مشاوره و حمایت روانی در بلایای طبیعی به آسیب دیدگان در روستاهای بخش زهان خبر داد. به گزارش روابط عمومی اداره کل بهزیستی، «محمد حسن اکبری مطلق» گفت: طرح محب، برنامه ای با رویکرد اجتماع محور است که تلاش می کند با ارائه آموزش و آگاهی های لازم به مردم آن ها را به تشکیل گروه هایی با استفاده از توانایی های محلی وا دارد. به گفته وی، ۶ چادر برای استقرار پایگاه اورژانس اجتماعی نصب و دو واحد سیار ۱۲۳ از بیرجند و قاین عازم مناطق زلزله زده شد.

گزارش عینی خراسان از منطقه زلزله‌زده زهان

خانه‌هایی که طی سال‌های گذشته توسط بنیاد مسکن مقاوم‌سازی شده آسیبی ندیده است

قاسمی- رضاپور
info@khorasannews.com

باورش سخت است این که تا ساعاتی قبل خانه هایی اینجا بود و سرپناهی و حالا دیگر هیچ شباهتی به روستا ندارد و خشت، سنگ و خاک روی هم تلنبار شده است و برای ما که ۱۱ ساعت و ۲۲ دقیقه بعد از زمین لرزه به این منطقه رسیده ایم چیزی جز ویرانی قابل مشاهده نیست و اگر رفت و آمد محتاطانه مردم نبود، نمی توانستی بپذیری اینجا روستای «شاج» بوده است. خانه ها با خاک یکسان شده و ویرانه هایی بر جا مانده که نمی توان تصور خانه و زندگی، هر چند ساده و روستایی از آن داشت. خشت و خاک کوچه ها را فرا گرفته و آجر و دیوار باغ ها در کوچه ها ریخته است. از لابه لای خاک و سنگ، فرش، پتو، رختخواب، ظرف، تلویزیون و هر چه در خانه بوده است دیده می شود. اینجا بقایای روستای شاج از توابع بخش زهان زیر کوه است که در زلزله ساعت ۲۰:۳۸ چهارشنبه شب گذشته لرزید. بنا بر اعلام مسئولان، عمق و کانون زمین لرزه در این محل بوده و بیشتر خسارت ها مربوط به روستاهای زهان است. در این زمین لرزه ۶ نفر جان باختند که ۵ نفر آنان اعضای یک خانواده بودند. همچنین ۲۷ نفر مصدوم شدند و به علت وسعت زلزله هزار و ۸۸۰ واحد مسکونی در ۴ شهرستان خراسان جنوبی آسیب دید و حتی تخریب شد. عباس آباد، حسین آباد شاج، فخرود و برخی روستاهای دیگر به گفته «قرایی»، بخشدار زهان در این زلزله آسیب دید اما روستاهای شاج و حسین آباد صد در صد تخریب شد و بقیه هم بین ۵۰ تا ۶۰ در صد صدمه دید. ساعت ۸:۳۰ صبح پنج شنبه نیروهای امدادی هلال احمر همراه اهالی روستای عباس آباد مشغول برپا کردن چادر هستند. با دسردتن آدم را می لرزاند و چادرهای در حال نصب را به این طرف و آن طرف تکان می دهد. آیا درون چادر گرم می شود؟

■ ماندن در خانه ها غیر ممکن است

یک زن روستایی به خبرنگار ما می گوید: بعد از زلزله برق قطع شد، بیشتر خانه ها مقاوم سازی بود اما همه آسیب دید، سقف ها شکاف و ترک هایی برداشت که ماندن در خانه را غیر ممکن می کند. مردم تمام شب را بیرون، در صحرا و کنار آتش گذراندند. «زهرا قاسمی» مادر ۴۱ ساله ای است که خدا را به خاطر سلامتی خانواده و اهالی روستایش شکر می کند و می گوید: فقط یک خانواده زیر آوار ماندند که قبل از حضور نیروهای امدادی و با کمک مردم نجات یافتند. او ادامه می دهد: بخشدار اولین فردی بود که در محل حاضر شد. خودروهای دولتی هم پشت سر هم آمد و در مورد اقلام مورد نیاز، وسایل گرمایشی، لباس و... می پرسیدند اما مردم ترجیح دادند که کمک ها به مناطقی که خسارت بیشتری دیده است ارسال شود. وی گفت: مشکل اصلی ما نبود سرویس بهداشتی است که جرات استفاده از سرویس بهداشتی منازل را نداریم و هر لحظه ممکن است با ورود به داخل منزل مصالح ساختمانی ریزش کند. حدود ۱۳ ساعت از زمین لرزه می گذرد که خودروی سپاه حامل موکت، پتو، چراغ و تن ماهی سر می رسد و اقلام را بین خانواده ها توزیع می کند. زن اضافه می کند: چادرهای هلال احمر شب حادثه ساعت ۱۲ رسید، اما مردم دور آتش ایستادند و بچه ها را سوار خودروها کردند و رویش را پلاس و فرش کشیدند تا سرما نخورند.

■ صحنه های باور نکردنی در «شاج»

روستای شاج چندان از عباس آباد دور نیست اما جاده اش خاکی است و بالا و پایین دارد و کاملا پیداست که جاده را قبل از صبح تیغ زده اند. روستاییان منطقه مدتی پیش محصول درختان زرشک را چیده اند اما آن چه لابه لای خاک، سنگ و خشت ها پیداست، انبارهای زرشکی است که زیر آور رفته و دست نجی باقی نمانده است. آن چه پس از زلزله باقی مانده باور کردنی نیست، دیوار مسجد از بیرون و درون ترک های بزرگی برداشته و پشتی و وسایل داخل آن به هم ریخته است اما خانه هایی که طی سال های گذشته توسط بنیاد مسکن مقاوم سازی شده آسیبی ندیده است. خانه های خشت و گلی روستا برخی کاملا و بعضی تا نیمه فروریخته است. انگار بر خرابه های قدیمی پا می گذاری، مردم هنوز سراسیمه و سرگردانند، برخی همدیگر را بغل کرده گریه می کنند و بعضی به هم تسلیت و دلداری می دهند، برخی هم خدا را شکر می کنند که همه اعضای خانواده سالم مانده اند و یادی می کنند از خانواده ای که اینک همراهشان نیست، مرحوم حسن رضایی، همسر و ۳ فرزندش. خیلی زود ویرانه باقی مانده از خانه اش را نشان می دهند. خانه اش بر بلندی بود، از زیر خاک ها، فرش و پتو و زیرانداز دیده می شود. بالش دخترک ۲ ساله و ساعت دیواری خانه روی خاک مانده است و عقربه ها ۸:۳۷ را نشان می دهد. ساعت عمر حسن رضایی، ۳ فرزند و همسرش از کار ایستاد. خواهر مرحوم به زحمت و با گریه می گوید: خانه برادرم ۲ طبقه و قدیمی، خشت و گلی بود. یك طبقه را هم با تیرهای چوبی «سرم» مسقف کرده بود، زلزله که آمد خانه ها را به شدت لرزاند و راه فراری نبود. درها بسته شده بود و بازنمی شد و دیوارها فرو می ریخت.

عکس: علیرضا رضایی

زن غمدیده ادامه می دهد: دختر کوچك برادرم ۲ سال داشت و ۳ دختر دیگر هم کلاس دوم و ششم بودند اما فقط یکی از دخترهای دوقلوی کلاس ششمی زنده مانده است، جنازه بقیه را از زیر خاک بیرون آوردند، فاطمه تا کمر زیر آوار بود اما زنده ماند. «رضایی» تاکید می کند: بارها به برادرم در مورد خانه قدیمی اش تذکر دادم و گفتم هر چند مشکل مالی دارد اما برای خانه اش فکری بردارد. زنان دیگری از فامیل به دیدن و دلداری او می آیند. زن جوانی در نیمه راه کوچه غش می کند و بر زمین می افتد. همه می گویند: دایی اش خیلی مهربان بود، حالا جنازه او و خانواده اش را به سردخانه قاین برده اند. تنها بازمانده خانواده متوفی، دختر ۱۱ ساله ای است که مددکار بهزیستی او را همراهی و برایش صحبت می کند تا روحیه کودکانه اش برای پذیرفتن غم تنهایی و گذراندن زندگی بدون پدر و مادر و شیطنت های خواهر کوچك و قل دیگرش آماده شود. چشم های درشت دختر سرخ است، حرف نمی زند اما اگر از او سوالی بپرسی پاسخ می دهد. انگار همه سوال ها را فراموش کرده ام، چه و چگونه بپرسم که چرا او باقی مانده است!

■ امید به زندگی در حسین آباد

بعد از بازدید و رفتن استاندار، هوا ابری می شود و باران می بارد اما این بار کشاورز خوشحال نیست و شاید هم این گریه آسمان است که بر دل داغدار اهالی شاج، حسین آباد و... می بارد. آن طور که «قرائی»، بخشدار زهان می گوید: شاج ۱۴۴ و حسین آباد ۱۸۶ نفر جمعیت دارد، در روستاهای عباس آباد، زردان و نخرود هم به ترتیب ۱۸۶، ۴۴ و ۱۴۲ نفر ساکن هستند. روستای حسین آباد بین عباس آباد و شاج قرار دارد که بعد از شاج، بیشترین خسارت در آن جاوار دشده است. باران همچنان به شدت بر چادرها می بارد و مسئولان کمی قبل از آن حسین آباد را ترك کرده اند. خانه ها ترك های عمیق برداشته و شیشه ها شکسته و ریخته است. باد زیر پرده ها می زند، دیدن شیشه های شکسته و دیوارهایی شکافته احساس ناخوشایندی به دنبال دارد. در یك خانه بزرگ روستایی، اعضا و فرزندانی که روستا را ترك کرده اند، زیر باران، مشغول حمل و بارگیری وسایل خود در کامیون هستند. فرش، تلویزیون، اجاق گاز، لباس و... همه زیر باران و در حیاط است. خیلی از مردم به چادرها پناه می برند.

گفته هایشان یکی است «وقتی زلزله خانه ها لرزید و همه جا تاریك شد، به زحمت از خانه بیرون آمدیم، کسی جرات ماندن زیر سقف های ترك خورده را نداشت. هر چند تحمل سرما در این جا راحت تر است اما در روستای شاج وضعیت از اینجا بدتر است.» زن جوان در کنار مدرسه شهید فامیلی حسین آباد این ها را می گوید.

■ باید زندگی را از نو بسازیم

«فاطمه یوسفی» از حضور به موقع نیروهای امدادی به ویژه بخشدار، اورژانس و هلال احمر تشکر می کند و ادامه می دهد: خواسته ای نداریم و باید زندگی را از نو بسازیم، همین که همه خانواده ام سالم هستند خدا را شکر می کنم. وقتی از خراب شدن خانه دام هایشان و از نابود شدن زرشك و تنها منبع درآمد خانواده اش سخن می گوید اشك میهمان چشمانش می شود.

پیرمردی به چادر گرم و چای دعوتمان می کند، او هم رنجیده است. باران دیگر خوشحالی برای آن ها ندارد. پیرمرد چشم هایش بارانی است و وقتی ناخواسته می گوید: انبار زرشکش زیر باران است، دست هایش خالی است و باید مدت ها نگاهش به دست های دیگران باشد تا اول سرپناهی درست کند و بعد دنبال کار برود، روزهای سختی در انتظار است. معلم مدرسه شهید فامیلی این روستا نیز با بیان این که راه روستای شاج از مدت ها پیش خراب بود و از مسئولان نیز خواسته شده است نسبت به رفع این مشکل اقدام کنند، می گوید: ساعتی بعد از وقوع زلزله به دلیل تسهیل در امدادرسانی بایك دستگاه گریدر مسیر را هموار کردند. ساعت حدود ۱۴ است که نیروهای امدادی هلال احمر هنوز در حال رفت و آمد هستند اما از تردد آن ها کاسته شده است. جلوی چادرها کارتن پهن و اطراف آن را با خاك مهار می کنند تا آب باران درون چادر نرود. مردی از حسین آباد، انبار علوفه اش را نشان می دهد، تیرهای چوبی سقف کاملا پایین آمده است، کیسه های درون انبار زیر خاك و آب باران است، او خدا خدا می کند که هوا بد تر نشود. باران همچنان می بارد که حسین آبادرا ترك می کنیم. در حاشیه جاده خاکی، ۲ فروند بالگرد هلال احمر که مواد خوراکی و اقلام مورد نیاز را به منطقه آورده اند دقایقی بعد محل را ترك می کنند. تانکرهای سوخت رسان هم در مسیر عباس آباد حرکت می کند و برای توزیع سوخت مردم راهنمایی می شوند. دوباره به عباس آباد بازگشته ایم، هنوز هیچ ماده غذایی بین مردم توزیع نشده است. برخی مسئولان استان در منطقه مشغول بازدید هستند.

■ درخواست برای یك چادر در کبودان

چند نفر از اعضای شورای اسلامی کبودان، کنار جاده منتظر مسئولان و آمدن نماینده اند، ساعت از ۱۵ عصر گذشته است. «حسین زاده» از اهالی کبودان از اضطراب و ناراحتی مردم روستا می گوید و این که شورا محکوم و متهم است. مردم از رفتن به خانه های ترك خورده می ترسند و از شب وقوع زلزله همه در خودروها به سر می برند. او تصریح می کند: در روستاهای اطراف چادر توزیع شده اما برای این روستا کاری نشده است و مردم از ترس جان فقط چادر می خواهند تا شب را در آن بگذرانند. با این صحبت ها راهی کبودان می شویم. مردم در کوچه ها آتش روشن کرده و اطراف آن خودرا گرم می کنند. کبودان روستای بزرگی است که بیشتر خانه هایش مقاوم سازی شده است و در بافت قدیمی آن خانه های خشت و گلی هم به چشم می خورد که از زلزله آسیب دیده است. خودروهای زیادی در کوچه ها پارك شده و عده ای هم درون آن هستند. انگار مردم منتظر کسی هستند. شاید مسئولی بیاید، از همه طرف دنبال مان می آیند تا خانه شان را نشان دهند. پیرمردی ترك های دیوارهای خانه اش را نشان می دهد و با غم می گوید: در منزل بیمار سرطانی دارم و او نباید سرما بخورد، چند روز دیگر نوبت شیمی درمانی دارد، چطور او را امشب در کوچه بخوابانم؟ «غلام احمد عبدی» یك چادر درخواست می کند و از بی توجهی مسئولان به اهالی این روستا دلگیر است چرا که گفته اند برای ۳۵۰ خانوار ۱۰۰ چادر تحویل می شود. بیرون خانه اش، زنی دیگر منتظر است و شکاف ها، سقف های ترك خورده، شیشه های شکسته و خانه به هم ریخته اش را نشان داد و می گوید: با فرزندان یتیم خود چه کنم، آن ها را به سرمای شب بسپارم یا امید به چادر داشته باشم. آیا حتما باید همه سقف ها خراب شود و پایین بیاید، یا چند نفر از دنیا بروند که به اهالی چادر بدهند. بقیه هم گفته اورا تایید می کنند و از رسیدن شب در هراس اند. هنوز جمعیت زیادی در کوچه ها پراکنده اند و بین ساکنان زمزمه هایی است. عضو شورا از حل شدن مشکل تامین چادر برای همه اهالی خبر می دهد و این که رئیس هلال احمر قاین برای این کار قول مساعد داده است و تا شب چادرها بین همه مردم توزیع می شود.

■ امدادرسانی توسط نیروهای جوان

«قاسم طلایی» ۲۶ ساله نیروی جوان امداد و نجات است که از فردوس به مناطق زلزله زده اعزام شده است. او می گوید: یك ساعت بعد از وقوع زلزله عازم زهان شدیم و اقدام به توزیع و نصب چادر کردیم و تا الان که حدود ساعت ۹ صبح است، این کار ادامه دارد و تا کنون حدود ۴۰ چادر فقط در عباس آباد نصب شده است. «محمدی»، سرپرست جمعیت هلال احمر سربیشه نیز با بیان این که از شب وقوع زلزله تا ۱۰ ساعت بعد حدود ۹۰ چادر در روستای عباس آباد نصب شد، می گوید: این روستا ۳۵۰ نفر جمعیت دارد که تا کنون ۱۷۰ تخته موکت، ۸۵ چراغ والر و بیش از ۷۰۰ پتو در بین اهالی توزیع شده است.

■ برق شاج یك ساعت بعد از زلزله وصل شد

یکی از نیروهای اتفاقات برق زهان نیز که برای رفع مشکل برق به روستای شاج آمده است، می گوید: پس از وقوع زلزله به محل حادثه اعزام شدیم و یك ساعت بعد برق روستا وصل شد و الان در حال برق کشی به چادرها هستیم که امیدواریم تا قبل از تاریکی هوا به اتمام برسد. «غلامحسین گردویی» می افزاید: یك گروه دیگر به روستای فخرود که ۳۰ کیلومتر از شاج فاصله دارد اعزام شدو تا الان که حدود ۱۱ ساعت از وقوع زلزله گذشته روستاها برق دار شده است. «غلامی» از کارشناسان امور فرهنگی و پیش گیری زیر کوه که ساعت های اولیه صبح پنج شنبه در محل حادثه حضور یافته است، می گوید: برای اجرای طرح «محب» که هدفشان حمایت های روانی اجتماعی در زمان وقوع بلایای طبیعی به آسیب دیدگان است، آمده ایم. وی اضافه می کند: خدمات مشاوره ای به بازماندگان، زنان، کودکان و... همچنین رابطه درمانی، روان شناختی، تخلیه هیجانات روانی و... از دیگر برنامه های این طرح است که برای حدود ۲۰ کودك و گروه های مختلف سنی به اجرا درآمده است.

■ تاکید امام جمعه زیر کوه بر حفظ عزت نفس مردم

امام جمعه زیر کوه هم که پس از وقوع زلزله در منطقه حضور یافته بود، می گوید: از بازماندگان و روستاییان مناطق زلزله زده می خواهم عفت و عزت نفس خود را حفظ و صبر پیشه کنند. حجت الاسلام والمسلمین «رجایی» با اشاره به این که این حوادث از آزمایشات الهی است و در قرآن کریم هم آمده است که ما شما را راهنمی کنیم و همیشه مومنان در معرض آزمایش های الهی هستند، می افزاید: در این حوادث عده ای صدمه می بینند و عده ای هم می مانند که باید به بهترین نحو انجام وظیفه کنند. وی تلاش نیروهای امداد و حضور دیگر دستگاه های اجرایی در منطقه را خوب ارزیابی می کند و از مسئولان می خواهد برای ساخت بناهای مستحکم در این مناطق اقدام کنند.

■ تامین سرپناه نیاز اصلی ماست

در گوشه و کنار روستای شاج، انبارهای خراب شده زرشك به چشم می خورد، آوار برداری و خارج کردن لاشه های دام ادامه دارد. غم را می توان در چهره روستایی دید. زنی می گوید: بیشتر دام هایشان بیمه بوده اما برای خانه و محصول کشاورزی اقدام نکرده اند و چقدر این کار به ضررشان تمام شده است. «دهقانی» که مشغول خارج کردن وسایل زندگی از خانه آسیب دیده است، شکاف دیوارها را نشان می دهد و تاکید می کند: خانه دام ها هم خراب شده و هنوز معلوم نیست چند راس از حیوانات تلف شده است. او مهم ترین نیاز خود و دیگر اهالی را با توجه به سردی هوا، تامین سرپناه عنوان می کند. ساعت به ۱۱ ظهر نزدیك می شود اما هنوز هیچ غذایی به آن ها تحویل نشده است. فقط بچه ها چند کنسرو ماهی خوردند. توزیع موکت هم از حدود یك ساعت قبل شروع شده است. نیروهای امدادی موکت تحویل می دهند و از اسم و اعضا هم فراموش نمی کنند. لابه لای دیوارهای فرو ریخته خشت و گلی، خانه ای جدید ساز به چشم می خورد که آهن، آجر، کاشی و سرامیك آن پیداست، فکرش هم سخت است اما ظرف های چینی، رومیزی، تلویزیون و... زیر پاهاست.

■ تسهیلات احداث، مقاوم سازی و نوسازی در اختیار آسیب دیدگان قرار می گیرد

ساعت ۱۱ ظهر استاندار خراسان جنوبی و هیئت همراه وارد روستا می شوند و سراغ خانواده متوفی را می گیرند، مرد روستایی از وضعیت راه و درخواست ها برای بهبود آن می گوید اما «قهرمان رشید» می گوید برای کار دیگری آمده و این موضوع باشد برای بعد. استاندار از دختر بچه به جا مانده و خانواده مرحوم رضایی دلجویی می کند و این جملات را بر زبان می آورد: این دختر بچه فرزند خودمان است، مثل فرزند خودمان از او نگهداری و حمایت می کنیم و اگر مشکلی داشت کمکش می کنیم. «رشید» در ادامه مردم را مخاطب قرار می دهد و از آمادگی دستگاه های دولتی، آب وفاضلاب شهری و روستایی، برق، راه و شهرسازی، نیروی انتظامی و... برای خدمات رسانی خبر می دهد. وی مردم را به استفاده از امکانات برای محکم ساختن سرپناه توصیه می کند و می افزاید: تسهیلات احداث، مقاوم و نوسازی و... منازل در اختیار آسیب دیدگان قرار می گیرد. وی به هماهنگی برای تامین سوخت مورد نیاز مردم اشاره می کند و می گوید: دستگاه های اجرایی به وظایف خود عمل خواهند کرد. از توان و بضاعت دولت و استان هم استفاده می شود تا بخشی از مصیبت هموار شود. به گفته وی، دستگاه های اجرایی به وظایف خود توجه می کنند اما باید به مشکلات باقی مانده مثل جاده و ارتباطات هم بیشتر توجه شود.